



عکس: EFP

# کلید مذاکرات قفل شده برجام در قاره سبز

## موانع کاهش تنش در روابط تهران و تروئیکای اروپایی چیست؟

پنج مرحله کاهش داده و غنی‌سازی را از ۳/۶۷٪ به ۲۰ درصد افزایش دهد.

با پیروزی جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ با وعده بازگشت ایالات متحده به برجام و بازگشت دموکرات‌ها به کاخ سفید، شرایط برای بازگشت هیئت‌های مذاکره‌کننده هسته‌ای در وین مهیا شد اما دقیقاً در نقطه‌ای که بیش از هر زمان دیگری به احیای برجام نزدیک بودیم، طمع دولت منتخب سیزدهم برای اعلام این توافق به نام خود موجب شد تا مذاکرات برای نزدیک به ۶ ماه به حالت تعلیق درآمده و ۴ ماه مذاکرات تیم جدید به سرپرستی علی باقری نیز جز ایجاد سردرگمی در وین دستاوردی برای هیچ‌یک از طرفین به همراه نداشته باشد تا در نهایت آنچه روسیه «عملیات ویژه نظامی» در اوکراین نامید، تحولات پس از آن موجب شفاف و علنی شدن سنگ‌اندازی‌های کرملین در مسیر احیای توافقی شود که براساس گفته وزیر امور خارجه وقت ایران، در سال ۲۰۱۵ نیز از هر تلاشی برای عدم دستیابی به آن فروگذار نکرده بود. در فاصله زمانی پس از خروج روسیه از اتاق مذاکرات تا وقوع بن‌بست در مسیر احیای برجام، تا جایی که ایالات متحده و تروئیکای اروپایی اعلام کردند احیای توافقی هسته‌ای دیگر روی میز و اولویت سیاست خارجی این کشورها نیست، انگلیس، فرانسه و آلمان، مذاکره غیرمستقیم ایران و آمریکا از طریق اروپا را روی میز گذاشتند و جوزپ بورل و معاونانش را به‌عنوان هماهنگ‌کننده برجام مامور این کار کردند تا برای چند ماه مذاکرات در وین و دوحه به همین شکل ادامه یابد. در اردیبهشت ۱۴۰۱ نیز آمریکا به‌عنوان معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به‌منظور آنچه جوزپ بورل «تیراخر» نامیده بود، راهی تهران شد. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در هفته پیش از این سفر در مصاحبه‌ای با فاینانشال تایمز

کرده و بازگشت به راه حل مذاکره را دشوارتر خواهد کرد». مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای ایران ابتدا در سال ۱۳۸۲ با سه کشور اروپایی آغاز شد اما به دلیل ناکامی طرفین در دستیابی به نتیجه مطلوب، آمریکا، چین و روسیه نیز به مذاکرات اضافه شدند که در نهایت و در دولت با‌زدهم به انعقاد برجام ختم شد. از توافق هسته‌ای با عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دیپلماتیک جهانی پس از پیمان‌هایی که به جنگ‌های جهانی پایان داد، یاد می‌شود که سه کشور اروپایی خود را مبتکر و بنیانگذار آن می‌دانند.

با خروج یک‌طرفه ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال سیاست فشار حداکثری، سه کشور اروپایی تلاش کردند تا در همراهی با ایران، اقدامات کاخ سفید علیه برجام را خنثی کنند؛ از جمله اقدامات دیپلماتیک تروئیکای اروپایی می‌توان به انزوی کامل آمریکا در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۵ مردادماه ۱۳۹۹ (۱۵ اوت ۲۰۲۰) اشاره کرد که واشنگتن پس از تلاشی دوساله برای تمدید تحریم تسلیحاتی ایران، ناکام ماند. در رأی‌گیری مجازی شورای امنیت سازمان ملل متحد در این روز، ۱۳ عضو از ۱۵ شورا با خواسته آمریکا که خلاف برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بود، مخالفت کردند. اروپا هرچند تلاش کرد در این مدت با تحریم‌های حقوقی و سیاسی کاخ سفید همراه نشود اما راه به جایی نبرد و ابتکار بیانیه ۱۱ تعهدی و اینستکس یا همان کانال ویژه تبادل‌ات مالی با ایران نیز نتوانست تهران را برای بهره‌مندی از موانع توافقی هسته‌ای کمک کند. همین امر نیز موجب شد تا ایران پس از یک سال صبر راهبردی و اجزای کامل تعهدات خود که در ۱۴ گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید شده است، از توانایی اروپا در جبران خسارات نامید شده و تعهداتش را در

**یکی از موانع اصلی تحقق مهمترین وعده انتخاباتی مسعود پزشکیان در حوزه سیاست خارجی، یعنی احیای برجام و لغو تحریم‌ها، تنش روزافزونی است که طی دو سال گذشته در روابط ایران و تروئیکای اروپایی رخ داده است. در تازه‌ترین تحول در روابط تهران و E3، این بار نه ایالات متحده، که آلمان، فرانسه و انگلیس بودند که قطعنامه‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران را روی میز اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دادند و سپس در جهت جلب حمایت واشنگتن درآمدند.**

این سه کشور اروپایی عضو توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، همچنین در ۵ تیرماه و پس از نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بحث در مورد اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ و بررسی هفدهمین گزارش آنتونیو گوتسش، دبیرکل سازمان ملل متحد درباره اجرای این قطعنامه و توافق هسته‌ای ایران بیانیه مشترکی صادر کردند. در این بیانیه آمده است: «گزارش‌های اخیر مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد که ایران با ادامه تشدید فعالیت‌های هسته‌ای خود بسیار فراتر از محدودیت‌های توافق هسته‌ای ایران - موسوم به برجام - در مسیر اشتباهی حرکت می‌کند. پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، که برخی از آنها غیرقابل برگشت هستند، برجام را ناکارآمد



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

یکی از موانع اصلی تحقق مهمترین وعده انتخاباتی مسعود پزشکیان در حوزه سیاست خارجی، یعنی احیای برجام و لغو تحریم‌ها، تنش روزافزونی است که طی دو سال گذشته در روابط ایران و تروئیکای اروپایی رخ داده است. در تازه‌ترین تحول در روابط تهران و E3، این بار نه ایالات متحده، که آلمان، فرانسه و انگلیس بودند که قطعنامه‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران را روی میز اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دادند و سپس در جهت جلب حمایت واشنگتن درآمدند.

این سه کشور اروپایی عضو توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، همچنین در ۵ تیرماه و پس از نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بحث در مورد اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ و بررسی هفدهمین گزارش آنتونیو گوتسش، دبیرکل سازمان ملل متحد درباره اجرای این قطعنامه و توافق هسته‌ای ایران بیانیه مشترکی صادر کردند. در این بیانیه آمده است: «گزارش‌های اخیر مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد که ایران با ادامه تشدید فعالیت‌های هسته‌ای خود بسیار فراتر از محدودیت‌های توافق هسته‌ای ایران - موسوم به برجام - در مسیر اشتباهی حرکت می‌کند. پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، که برخی از آنها غیرقابل برگشت هستند، برجام را ناکارآمد

**ادامه یادداشت سردبیر**

از یک‌سوی و میراثی که در حوزه‌های مختلف به‌ویژه اقتصاد و جامعه از دولت سیزدهم بر جای مانده، در کنار روشن نبودن چشم‌انداز سیاست خارجی شرایطی را پیش روی می‌دهد که نیاز به مجموعه‌ای از نیروهای باورمند، توانمند، صاحب ایده و دانش و تجربه و انگیزه را ضروری می‌سازد تا دولت جدید بتواند این راه دشوار و پریچ‌وخم و با موانع بسیار را دست‌کم با نیروی انسانی لازم و انسجام درونی کامل طی کند.

اما به نظر می‌رسد شکل دادن چنین دولتی، با دو مانع درونی مواجه است که آنها را با دو واژه «یغما» و «استغنا» می‌توان صورت بست. دولت چهاردهم، از یک‌سوی با خطر درونی نیروهای سهم‌خواهی روبه‌روست که سابقه عملکرد و مواضع آنان در دولت‌های خاتمی و به‌ویژه روحانی، چندان مثبت نیست. نیروهایی که بیش از منافع عمومی و پیشبرد سیاست‌ها و رویکردهای دولت و دفاع از مواضع اصلاح‌طلبانه و توسعه‌گرایانه آن، در پی منافع شخصی یا باندی خود هستند و در روزگار عسرت و سختی نیز، عموماً کنار می‌نشینند و در انتظار گرفتن ماهی خویش در زمان گل آلود شدن آب می‌مانند. این نیروها،

**جریان تردید:** اما آنچه در شرایط کنونی و در محافل و مباحث درونی نیروهای حامی رئیس‌جمهور منتخب بیشتر مایه نگرانی شده، تردیدهایی است که درباره سازوکار تشکیل دولت و همکاران رئیس‌جمهور وجود دارد و این نگرانی را شکل می‌دهد که مجموعه فشارهای بیرونی و مناسبات درونی، به سمتی رود که نیروهای کارآمد، توانمند و باورمند به توسعه و تغییر حاشیه‌نشین شوند و کابینه‌ای فاقد توان کافی برای تغییر وضع موجود شکل گیرد. البته، شکل‌گیری کمیته‌های تعیین‌وزرا و مسئولان دولت که چهره‌های باسابقه و مؤثر دولت‌های خاتمی و روحانی در آن حضور دارند، به همراه شکل‌گیری شورای سیاستگذاری تشکیل دولت چهاردهم تا حدی این تردیدها را کاست. علاوه بر این، معیارهای روشنی که برای گزینه‌های مطرح از سوی پزشکیان به مسئولان این کمیته‌ها ابلاغ شده، مواردی است که با خواست و مطالبه عمومی رای‌دهندگان و رویکردهای پزشکیان در دوران انتخابات همسوی دارد. به‌رغم این تدابیر، همچنان سایه تردیدها و نگرانی‌ها در کمپین حامیان دولت جدید پرتنگ می‌نماید. بخشی از این نگرانی، البته طبیعی است. موازنه نابرابر قدرت

پس از این مرحله و در روزهای اخیر، طیف‌های مختلف راست‌راندیکال پس از مجادلات داخلی، به تدریج تصمیم به فضاسازی و مقابله مستقیم با پزشکیان و حامیان او گرفته‌اند. تیرته‌های چند روز اخیر روزنامه «کیهان» و طرح ادعای تحویل «اسب زین‌شده» به دولت چهاردهم و هشدار به پزشکیان درباره همراهی با خاتمی، روحانی و نیروهای اصلاح‌طلب و میانه‌رو، سویه رسمی تهدیدها و فضاسازی‌ها علیه دولت جدید است که پیش از تشکیل آغاز شده است. اظهارات جلیلی در باره تداوم فعالیت دولت سایه و هشدار درباره ورود در مواردی که لازم بدانند، یکی دیگر از مصادیق این تحرکات و تهدیدات محسوب می‌شود. اما در سویه غیررسمی و مجازی، ابعاد و صراحت فضاسازی‌ها گسترده‌تر است. از توهین مستقیم به رای‌دهندگان به پزشکیان تا تهدید رئیس‌جمهور منتخب به اجرای پروژه بنی‌صدرسازی و دامن زدن به مسائل قومیتی به همراه مجموعه اقداماتی درون دولت برای انتصاب‌ها و جابه‌جایی‌ها که دولت آینده را دچار مشکل خواهد ساخت، در این سطح قابل‌ردیابی و تحلیل است.

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



### چالش‌ها و فرصت‌های پزشکیان

مسعود پزشکیان، یک‌نماینده ناشناخته اصلاح‌طلب اهل تبریز و یک جراح قلب، در انتخابات زودهنگام با شکست پنج‌رقیب محافظه‌کار و تبدیل شدن به نهمین رئیس‌جمهور ایران، همه احتمالات را بر هم زد. او جانشین ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور محافظه‌کاری است که در ۱۹ مه در سانحه سقوط بالگرد جان خود را از دست داد. پیروزی پزشکیان و دینامیک‌های رقابت‌های انتخاباتی تحلیل‌های مهمی از چشم‌انداز سیاسی ایران و مسیر احتمالی کشور ارائه می‌دهد. اولاً، گسست بین دولت و جامعه ایران هیچ‌وقت بالاتر از این نبوده است. در دور اول انتخابات، تنها ۳۹ درصد از واجدین شرایط رای خود را به صندوق انداختند که پایین‌ترین رقم برای انتخابات ریاست‌جمهوری جمهوری اسلامی است. در دور دوم که تنها پزشکیان و سعید جلیلی رادیکال در رقابت باقی ماندند، حدود ۴۹/۸ درصد شرکت کردند که همچنان یکی از کمترین میزان مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران است. کمپین پزشکیان در دور دوم به دنبال متقاعد کردن جوانان و ناامیدانی بود که دور اول را تحریم کرده بودند، اما نتایج نشان‌دهنده میزان بی‌تفاوتی و ناراضی‌تری زیاد مردم است. نکته دوم این است که به نظر می‌رسد این انتخابات دیگر شکاف معمول بین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نبود بلکه، مشخصه این دور انتخابات، رقابت شدید درون اردوگاه محافظه‌کاران بین جلیلی و محمدباقر قالیباف بود. به‌رغم فشار از بالا برای اینکه این اردوگاه تحت یک نامزد واحد متحد شود تا از تقسیم آرا جلوگیری شود، هیچ‌کدام موافقت نکردند. قالیباف پس از ناکامی در راهبایی به دور دوم، از جلیلی حمایت کرد، اما همه حامیان او از قالیباف پیروی نکردند. نتایج حاکی از آن است که حداقل بخشی از آرای قالیباف به سمت پزشکیان تغییر کرده و به پیروزی او کمک کرده است. ثالثاً، کسانی که طرفدار برخی تغییرات بودند، توانستند بر کسانی که وضعیت موجود را تأیید می‌کردند، غلبه کنند. این پیروزی به‌رغم بی‌تفاوتی گسترده در میان مردم، برای اصلاح‌طلبان به‌دست آمد. بنابراین، تقاضا برای اصلاحات، حتی در حاشیه، از داخل ایران هنوز یک واقعیت است که باید روی آن حساب کرد. سوابق و اظهارات پزشکیان در جریان مبارزات انتخاباتی حاکی از آن است که در عین حال که او تغییر مسیر را هدف قرار خواهد داد، اما تلاشی برای تکان دادن شدید قایق نخواهد داشت. بنابراین او از سوی سیستم به‌عنوان یک تهدید تلقی نمی‌شود. احتمالاً به همین دلیل است که او در وهله اول مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و تنها کاندیدای اصلاح‌طلب مجاز برای شرکت در رقابت‌ها و اولین رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب پس از خروج محمد خاتمی در سال ۲۰۰۵ بود. پزشکیان با شعار «برای ایران» وعده داد که صدای بی‌صدا باشد، علیه سرکوب معترضان سخن بگوید و از آزادی زنان در خصوص حجاب حمایت کند. او احتمالاً در طول دوران ریاست‌جمهوری خود تلاش خواهد کرد تا جمعیت عمدتاً سرخورده‌ای را که قبلاً شاهد حکومت اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان بوده‌اند، اما تغییر ملموس زیادی در زندگی روزمره خود ندیدند، جلب کند. در سیاست خارجی، کمپین پزشکیان بر لزوم تعامل با غرب از جمله در موضوع هسته‌ای، رفع تحریم‌ها و بهبود شرایط اقتصادی کشور و همچنین دور شدن از آستانه جنگ منطقه‌ای متمرکز بود. چالش فوری او انتخاب اعضای کابینه‌ای خواهد بود که می‌تواند اجرای دستور کار سیاسی او را تضمین کنند، که این امر نیاز به تصویب پارلمان تحت سلطه محافظه‌کاران دارد. سیگنال‌ها حاکی از آن است که اردوگاه اصلاح‌طلبان چنین لیستی آماده نداشته است، زیرا نتایج انتخابات غیرمنتظره بوده و انتظارات قیل از تصادف رئیسی این بود که نیروهای محافظه‌کار حداقل پنج سال دیگر در قدرت باشند. پس از تعیین کابینه، چالش اصلی پزشکیان نیروهای محافظه‌کار خواهد شد. آنها احتمالاً در ماه‌های آینده ذیل ایده تهدید مشترک اصلاح‌طلبان در قدرت متحد می‌شوند. آنها احتمالاً از تمام نهاد‌های منتخب و منتخب تحت کنترل خود برای تضعیف اقدامات پزشکیان استفاده خواهند کرد. به‌ویژه زمانی که آنها به‌عنوان تهدیدکننده قدرت یا منافع محافظه‌کاران تلقی شوند.